

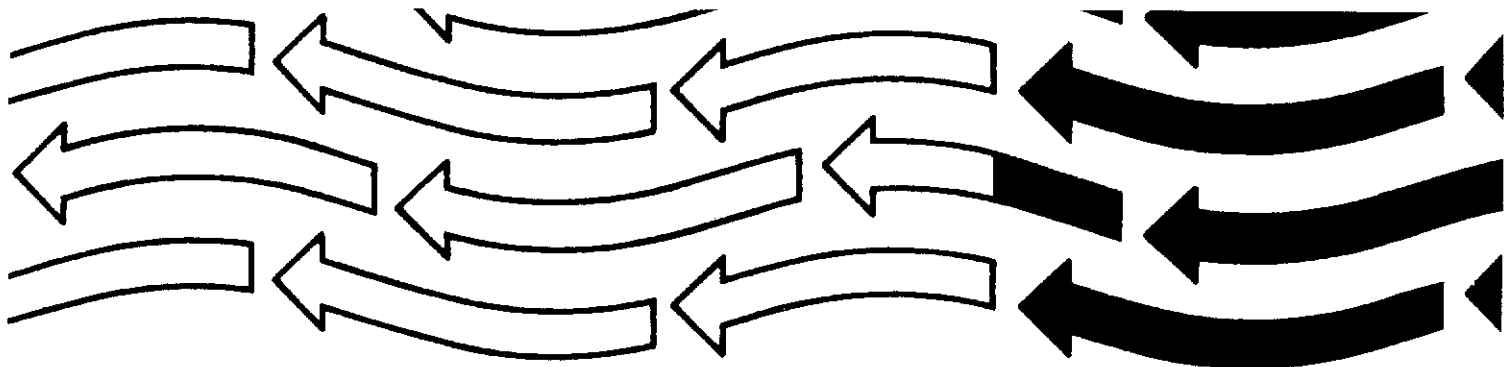
افشین جوان

۱ - مقدمه

در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم، بعد از عصر روشننگری اصحاب دایرةالمعارف اروپا و سالهای پس از جنگ داخلی آمریکا و بویژه دوره شکوفایی صنعتی، کشورهای ثروتمند صاحب مستعمره وارد عصر نوینی از پیشرفت و توسعه شدند که به گفته مارک تواین «عصر ایجاد غولهای صنعتی، عصر سوداگری‌هایی از همه نوع و عصر عطشی سیری‌ناپذیر برای دست یازیدن به ثروتی ناگهانی...» نام گرفت. در این دوره، روشنایی مصنوعی بشر را فقط نفت سفید، گاز و شمع تشکیل می‌داد مالک بلامنازع بازار جهانی نیز شرکت آمریکایی «استاندارد اویل» متعلق به جان‌دی راکفلر بود که بیش از ۹۰ درصد نفت این کشور را استخراج می‌نمود. در این سالها نفت سفید اولین رقم صادرات کالاهای

ساخته‌شده آمریکا بود که به تنهایی فقط از یک ایالت به اروپا - بزرگترین بازار صادراتی - ارسال می‌گردید. این بازار حتی امپراطوری وسیع روسیه را نیز که فرایند صنعتی شدن خود را از زمان پطر کبیر آغاز کرده بود و در این دوره سرعت بیشتری می‌یافت دربر می‌گرفت. کشف نفت در باکو، ظهور اولین نسل نفتکش‌ها به نام «زرتشت» در بحر خزر که خود انقلابی در حمل و نقل نفت بود، رقابت اروپاییان همچون روچیله‌ها، نوبل‌ها و...، تب کشف نفت در میان مردم عادی، باز شدن کانال سوئز به روی نفتکش‌ها که مسیر اروپا به خاور دور را ۴۰۰۰ مایل کمتر می‌کرد همه و همه عواملی بودند که نقشه‌های جهان شمول راکفلر را که انحصار یک تنه بر بازار نفت جهان را در سر می‌پرورانیید با مشکلات

عدیده روبه‌رو کرد. اختراع روشنایی الکتریکی توسط ادیسون، که قیمت آن نیز هوشمندانه با هر فوت مکعب گاز (۲/۲۵ دلار) برابری می‌نمود؛ چراغ‌های نفتی و گازی را کم و بیش به کنج صندوقخانه‌ها راند. تا پیش از این اختراع که به مثابه فوزندی از انقلاب صنعتی قرن ۱۹ بود و الگوی مصرف شهروندان را از نفت سفید به استفاده از نیروی برق سوق داد؛ علی‌رغم ترس از آتش‌سوزی، آلودگی خفقان‌آور، تولید گرمای زیاد آن برای روشنایی بود و بس! لیکن چرخه صنعتی شدن کشورهای صاحب مکنت از حرکت باز نایستاد و اختراعی دیگر - موتورهای با احتراق درونسوز برای اتومبیل - که تولید آن در طی یک دهه هزار برابر گردید و از یک وسیله



لوکس به وسیله‌ای مورد احتیاج در زندگی روزمره تبدیل شد؛ آلام و دغدغه خاطر تولیدکنندگان نفت را تسکین بخشید. علاوه بر بسزین که تقاضای آن سیر صعودی می‌یافت، افزایش کاربرد نفت سیاه در دستگاه‌های بخار کارخانه‌هایی که هر روز در اروپای صنعتی همچون قارچهای خودرو از دل زمین سر برمی‌آوردند، و قطارها و کشتی‌هایی که بیش از پیش می‌بایستی مصنوعات تولیدی آنها را به بازارهای دورتری عرضه نمایند، فزونی یافت و این همه البته فقط و فقط بر صنعت نفت استوار بود.

استفاده از انرژی تجاری را باید مدیون انسانی گمنام دانست، انسانی که برای اولین بار آتش افروخت و به انسانهای دیگر آموخت که چگونه می‌توان انرژی را تحت اختیار قرار داد.

گفته می‌شود که سیصد سال قبل از میلاد مسیح ارشمیدس تویی با نیروی بخار اختراع کرد و در سال ۱۰۰ پس از میلاد هرون الکساندری مدل توربین بخاری (اِئولوپیل) را ساخت که از کره‌ای مجوف و لوله‌هایی تشکیل یافته بود، وقتی کره از آب پر می‌شد پس از حرارت دادن حول محوری می‌چرخید ولی این اختراع بزرگ قرن‌ها به بوتۀ فراموشی سپرده شد و این عاملی بود که طراحی ماشین بخار از صفر در قرن هفدهم آغاز گردد.

دنيس پاپن اولین کسی بود که از بخار به عنوان نیروی محرکه بهره گرفت. وی در سال ۱۶۴۷ به دنیا آمد و درست ۵۰ سال قبل از پیدایش اولین ماشین بخار اتمسفریک و متجاوز از دو قرن قبل از پیدایش اولین موتور درون‌سوز بود.

در انگلستان رابرت بویل که مبدأ قانون گازهاست یار و همکار پاپن شد و با هم روی موتور مکانیکی کار کردند و بالاخره پاپن با گرانفريد لاپینیتز توانستند اولین ماشین بخار را به وجود آورند.

پس از پاپن یک انگلیسی به نام نیوکامن

نخستین ماشین اتمسفری را ابداع کرد. ماشین نیوکامن در سال ۱۷۱۱ در معادن زغال‌سنگ واریک شایر مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

بالاخره در سال ۱۷۸۴ جیمز وات انگلیسی ماشین بخار دوضربه‌ای را ساخت و موفقیتی بزرگ در این زمینه کسب کرد چون قبل از این اختراع، موتورها فقط در یک جهت حرکت می‌کردند، وی از معدود مخترعان خوشبختی بود که در زمان حیات خود تعمیم اصول اختراع خود را به چشم دید و در پایان عمر از ارزش و اعتباری زیاد برخوردار شد. وی در سال ۱۸۱۹ میلادی درگذشت. بر بنای یادبود وی در کلیسای وست‌مینستر چنین جمله‌ای به چشم می‌خورد «او کسی بود که قدرتهای بشری را افزایش داد».

در حدود سال ۱۸۵۹ در پنسیلوانیا نفت به وسیله ادوین در یک کشف شد و سرآغازی بود بر نوعی دیگر از استفاده بشر از انرژی. با توجه به نقش نفت در تأمین انرژی بشری در قرن بیستم در این مقاله به بررسی این تحول می‌پردازیم.

۱- نفت در آغاز قرن بیستم

در آغاز قرن بیستم مازوت برای گرم کردن دیگ بخار کشتیها و صنایع به کار می‌رفت و این باعث شد که از اهمیت نفت سفید کاسته شود.

جنگ بوئر در آفریقای جنوبی که در ۱۸۹۹ آغاز شده بود باعث افزایش قیمت نفت شد ولی در پاییز سال ۱۹۰۰ کاهش بهای نفت آغاز شد.

و این شروعی بود برای حرکت بازار انرژی به طوری که کشورهای صاحب صنایع تفکراتی نو درباره این منبع انرژی را عنوان کردند.

جان-دی-راکفلر پس از کشف دریک، با سرمایه‌ای به میزان چهار هزار دلار شروع به فعالیت نمود. راکفلر به همراه شریک خود تصفیه‌خانه کوچکی در منطقه کلیولند دایر

نمود.

در سال ۱۸۶۵ راکفلر سهم شریک خود را به مبلغ ۷۵۰۰۰ دلار خریداری نمود وی از جمله اشخاصی است که در سازمان بخشیدن به صنعت نفت آمریکا نقش مهمی ایفا نمود.

راکفلر موفق به ایجاد اولین و مهمترین کارتل نفتی مسلط بر بازار جهانی نفت گردید در سال ۱۸۷۹ یعنی اواخر دهه ۱۸۷۰ میلادی، وی موفق شد که ۹۰٪ تصفیه‌خانه‌های آمریکا را تحت کنترل و نظارت کمپانی استاندارد اوایل درآورد.

به دنبال اوج‌گیری مخالفت‌ها بر علیه تراست استاندارد اوایل نهایتاً در سال ۱۸۸۳ قوانین ضد تراست در ایالت اوهایو به تصویب رسید و در نتیجه دادگاه ایالتی علیه استاندارد اوایل واکنش نشان داد.

در سال ۱۸۹۰ قوانین ملی ضد تراست، ادغام‌ها و توافقاتی را در سطح قابل توجهی ممنوع ساخت.

به این ترتیب استاندارد اوایل به بیش از ۳۸ کمپانی تقسیم و تجزیه شد ولی راکفلر توانست ۲۵٪ سهم استاندارد اوایل را برای خود حفظ نماید. پس از این تحولات استاندارد اوایل نیوجرسی به اگزان، استاندارد اوایل نیویورک به موبیل، استاندارد اوایل کالیفرنیا به سوکال، استاندارد اوایل ایندیانا به آموکو و استاندارد اوایل اوهایو به سوئیو تبدیل شد.

در همین سالها کمپانی‌های «گلف اوایل» و «تگزاکو» نیز در آمریکا به وجود آمدند، در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از ادغام «رویال داچ» هلند و «شل» انگلستان یکی از هفت خواهران نفتی (گلف، BP، اگزان موبیل، تگزاکو، سوکال) یعنی رویال داچ-شل به وجود آمد. همچنین BP نیز در خلیج فارس آغاز به فعالیت نمود.

در سال ۱۹۰۱ میلادی امتیاز منابع نفت و گاز و قیر طبیعی ایران به مدت ۶۰ سال از طرف ناصرالدین شاه به ویلیام ناکس داریسی اعطا شد یعنی زمانی که هیچ تفکری در

خصوص موارد استفاده از این انرژی در کشورمان نبود چنین قراردادهایی به ما تحمیل می‌شد.

پس از پایان جنگ جهانی اول، چرچیل در خاطرات خود نوشت که دولت انگلستان در طول چهار سال جنگ، به علت استفاده از نفت بسیار ارزان قیمت ایران، به میزان هفت و نیم میلیون لیتر استرلینگ، نفع برده است. در حالی که کل درآمد ایران از بابت حق امتیاز از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۲ حدوداً ۱/۲۲ میلیون لیتر استرلینگ بوده است. شروع دوران اتومبیل در آمریکا که تاریخ آن را می‌توان سال ۱۹۱۱ دانست، یعنی سالی که کارتل استاندارد اوایل قانوناً شکسته شد. بزرگترین عامل شکوفایی تولید و مصرف نفت بود. همچنین وقایع جنگ جهانی اول مؤید نظر کلیمانسو - رئیس جمهور وقت فرانسه - بود که گفته بود: «یک قطره نفت هم ارزش یک قطره خون است».

در طول جنگ اول جهانی به واسطه تولید تجهیزات جنگی که با سوخت‌های نفتی کار می‌کردند، صنعت نفت توسعه بسیاری یافت. وجود کارتل‌های بزرگ نفتی خود عاملی در جهت استعمار نو (Neo Colonialism) در جهان بود.

پس از جنگ جهانی اول و در پی رشد و توسعه سریع صنعت نفت در جهان و پی بردن به نقش مهم نفت در اقتصاد کشورها، دوره کنترل نفت دنیا توسط کمپانی‌های بزرگ شروع شد.

کمپانی‌هایی که به خاطر پشتوانه‌های مالی - اعتباری نقش غالب داشتند توانستند امتیاز بهره‌برداری را از کشورهایی که فاقد سرمایه، تکنولوژی و دانش کافی در زمینه صنعت نفت بودند گرفته و از منابع عظیم نفتی آن کشورها بهره‌برداری کنند. رقابت بین کمپانی‌های نفتی در ابتدا شامل رقابت بین کمپانی‌های بزرگ نفتی (هفت خواهران) بود و به دنبال توافق بین هفت خواهران نفتی و تشکیل یک کارتل بین‌المللی، این رقابت جنبه دیگری به خود گرفت و به صورت رقابت هفت خواهران نفتی با سایر کمپانی‌های نفتی درآمد.

مسیر رقابت و رسیدن به توافق، مراحل مختلفی را شامل می‌شود که به آن اشاره می‌شود. اما بد نیست در مورد قیمت‌ها نیز اشاره‌ای کنیم.

بین سالهای ۱۹۴۵-۱۸۷۰ بازار نفت به طور عمده زیر نفوذ چند شرکت بزرگ نفتی

بود و از سال ۱۹۳۱ به بعد، کمیسیون راه‌آهن تگزاس تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر نوسانات قیمت نفت داشت.

در اوایل دهه ۱۸۶۰، صنعت نفت آمریکا شکل گرفت و در آن زمان فقط ۱٪ از مصرف انرژی این کشور به نفت اختصاص داشت.

در فاصله ۱۸۷۰-۱۹۲۰ بازار نفت پیوسته رو به گسترش بود، و این فاصله جایگزینی سایر مواد سوختی را با نفت در پی داشت.

در پنجاه سال اولیه فعالیت بازار نفت (۱۸۶۰-۱۹۱۰) شرکت استاندارد اوایل کالیفرنیا بازار را در کنترل خود داشت و شکل‌گیری قیمت‌گذاری نیز زیر نظارت این شرکت انجام می‌پذیرفت.

کنترل قیمت در این دوره در دست تولیدکنندگان نفت نبود ولی کسی که می‌توانست جریان ورود نفت را به بازار در اختیار گیرد، قادر بود بر قیمت نفت اثر بگذارد. در دوره ۱۸۷۰-۱۸۷۴ قیمت واقعی نفت نوسانهای شدید نشان داد و در مواردی نوسان قیمت واقعی ظرف مدت یکسال بیش از ۱۰۰٪ بود. در فاصله سالهای ۱۸۷۴-۱۸۷۱ قیمت واقعی نفت خام در ایالات متحد آمریکا از ۳۴/۸۳ دلار به ۹/۶۹ دلار سقوط کرد. علت این افت قیمت، کشف منابع عظیم نفتی بود.

بین سالهای ۱۹۱۱-۱۹۲۸ تقاضا برای نفت در ایالات متحد آمریکا افزایش یافت. سال ۱۹۱۲ در واقع نقطه جدیدی از سقوط قیمت نفت بود که با افزایش شدید قیمت نفت در سال ۱۹۱۳ همراه شد.

در هفدهم سپتامبر ۱۹۲۸، سه شرکت استاندارد اوایل نیوجرسی، بی‌پی و شل قرارداد اکناکاری را امضا کردند که براساس آن قیمت نفت از خلیج مکزیک تثبیت می‌شد. در این زمان، هنوز بازار نفت در کنترل آمریکا قرار داشت. به نظر می‌رسد که آمریکا و سایر کشورهای غربی پس از انقلاب صنعتی به اهمیت و کاربرد انرژی پی برده بودند. در حالی که در اواخر قرن نوزدهم صنایع نساجی کشورهای نظیر ایران به صورت کارخانجات کوچک و با نیروی انسانی کار می‌کرد کشورهای اروپایی با توسعه کارخانجات صنعتی و استثمار انسانها و با مصرف بالای زغال‌سنگ به رقابت با یکدیگر می‌پرداختند.

چارلز عیسوی در کتاب تاریخ اقتصادی

ایران، هجوم یک کشور صاحب قدرت به ایران و خیمه زدن در این کشور را تقصیری از سوی ایرانیان قلمداد می‌نماید.

به هر حال غفلت حکام کشورهای نظیر ایران در قرن نوزدهم باعث شد که این کشورها در قرن بیستم مغلوب سیاست‌های هوشمندانه غرب باشند و تاکنون نیز این مسأله ادامه دارد.

۲- توافق اکناکاری (۱۹۲۸)

برای هر تعقیب‌کننده مسائل نفتی جالب است که بداند چرا چند شرکت، کنسرسیوم و یا هر نام دیگر، بر تصاحب منابع طبیعی کشورهای مختلف یکدیگر نزاع داشته و هیچگونه ناراحتی نسبت به واکنش‌های صاحبان منابع طبیعی از خود نشان نمی‌دادند و آیا اصلاً واکنشی وجود داشت؟

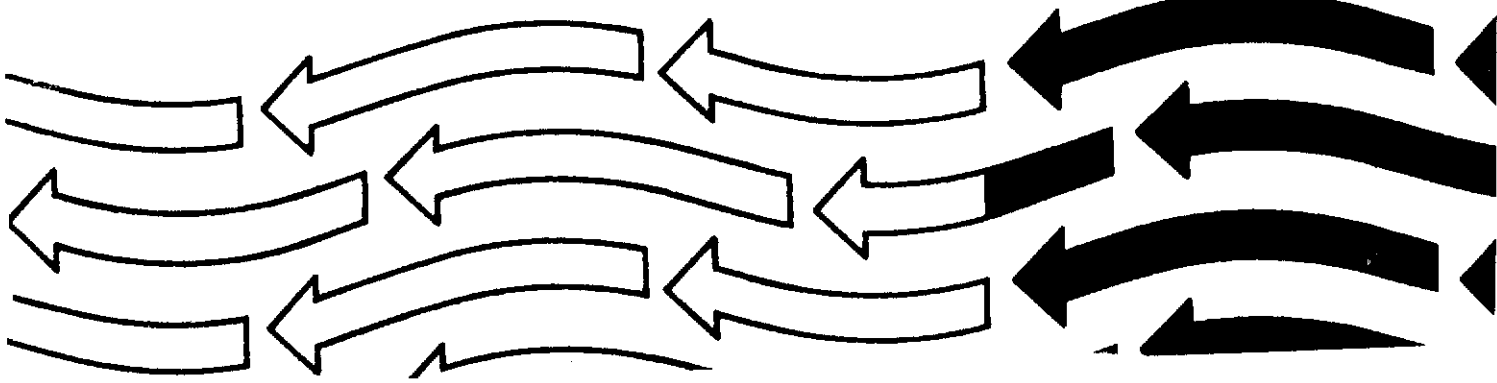
به هر حال تاریخ صنعت بین‌المللی نفت تا سال ۱۹۲۸ توأم با تلاش و کشمکش سخت بین استاندارد اوایل نیوجرسی و رویال داچ شل برای کسب هر چه بیشتر سود بود.

استاندارد اوایل برای ورود به حوزه‌های غنی نفت عراق می‌جنگید و برای دسترسی به حوزه‌های نفتی شوروی با رویال داچ شل چنگ و دندان نشان می‌داد و در تلاش بود که دارای نفت مکزیک را در برابر گسترش ملی‌گرایی مکزیکها حفظ کند. این شرکت از هیچ اقدامی برای رسیدن به اهدافش فروگذار نکرد و با ایجاد جنگ قیمت، رشوه و خشونت پا به این عرصه گذاشته بود. باید اذعان کرد وقتی کاربردهای جدید نفت پس از تجاری شدن اتومبیل شناخته شد این تلاشها دوچندان شد.

به هر حال این جنگ قدرت بین صاحبان صنایع با امضای قرارداد ۱۹۲۸ در اکناکاری اسکاتلند به وسیله مدیران شرکت‌های استاندارد اوایل نیوجرسی، رویال داچ شل و بریتیش پترولیوم به پایان رسید.

توافق به صورتی انجام گرفت که حفظ وضع موجود را تضمین می‌کرد. بدین وسیله به رقابت‌های بین این شرکت‌ها پایان داده شد و مقرر گردید هیچ تأسیسات جدید تولیدی تا استفاده کامل از تأسیسات موجود به وجود نیاید.

به هر حال توافق بر روی نفت بین‌النهرین و تشکیل شرکت نفتی «عراق پترولیوم» مقدمه‌ای بود برای توافقات وسیع بین شرکت‌های آمریکایی و انگلیسی.



گرایید و برای اولین بار، مکزیک در سال ۱۹۳۷ نفت خود را ملی اعلام کرد. به دنبال آن ونزوئلا در سال ۱۹۴۸ با تصویب قانونی، نظام ۵۰/۵۰ را پایه گذاری نمود.

سپس عربستان در سال ۱۹۴۹ موفق به دستیابی به قراردادهای ۵۰/۵۰ گردید و ایران در سال ۱۹۵۱ نفت خود را ملی اعلام کرد.

باید اذعان کرد که جنگ جهانی دوم به طور قاطع قدرت نسبی دولتهای مختلف را دچار تغییر و دگرگونی نمود و این تغییر در موقعیت نسبی شرکت های نفتی هر کشور منعکس شد.

پس از جنگ دوم جهانی بیشتر فشار آمریکا از طریق اهرم طرح مارشال اعمال شد. کشور اروپایی دریافت کننده وام بایستی برابری سرمایه آمریکایی را با سرمایه های داخلی خود در سرمایه گذاری توسعه استخراج مواد خام مستعمرات تضمین نماید. در اثر این فشارها یا شرکت های نفتی آمریکایی جای پای جدیدی به دست آوردند و یا موقعیت خود را در بسیاری از کشورها که به وسیله سرمایه اروپایی حفاظت می شد توسعه دادند و این آغازی بود برای شکسته شدن سلطه انگلستان در بازار نفت هند، و مغلوب شدن هلند در اندونزی، شرکت های آمریکایی در مناطقی مثل تونس، فرانسه، موزامبیک و آنگولای پرتغال و اتیوپی تحت تسلط انگلیس امتیازات نفتی جدیدی به دست آوردند. پس از جنگ دوم جهانی آمریکا به دلیل دوری از جنگ توانست شرکت های نفتی انگلیسی را پشت سر بگذارد و دوره ای جدید را آغاز نماید. اشتیاق آمریکایی ها در افزایش منافع نفتی حتی شامل کشورهایی چون مکزیک و بولیوی می شد که صنایع نفتی خود را ملی کرده بودند.

به علت کشف منابع عظیم در عربستان سعودی و کویت، سهم آمریکا از مجموع ذخایر خاورمیانه از ۱۰٪ در سال ۱۹۴۰ به ۳۰٪ در سال ۱۹۴۵ و به ۵۰٪ در سال ۱۹۵۰ رسید.

کشف حوزه نفتی وسیع شرق تگزاس بود که موجب تنزل قیمت های نفت تا ده سنت برای هر بشکه و منجر به توانین سهمیه بندی داخلی شد. اما سومین و مهمترین حادثه، کشف مناطق غنی خاورمیانه بود که به نظر می رسد عامل اصلی بزرگ شدن شرکت های نفتی آمریکا بود.

در این مقطع قوه محرکه شرکت ها، دستیابی به ذخایر کم هزینه نفت دنیا بود تا بتوانند از سودهای کلان در زمانی که قیمت ها بالا بود بهره ببرند و در زمان افت قیمت ها نیز قدرت رقابت داشته باشند.

باید اذعان نمود که نقش حوزه های نفتی خاورمیانه در تبدیل شرکت های داخلی آمریکا به شرکت های بین المللی غیر قابل انکار است.

به هر حال در سال ۱۹۳۰ پس از توافق اکتاکاری به تدریج ۴ شرکت دیگر یعنی گلف اوپل، سوکال، تگزاکو و سوییل نیز به آن پیوسته و بزرگترین و اولین کارتل نفتی جهان با توافق هفت خواهران به وجود آمد. به دنبال این توافقات شرکت های بزرگ آمریکایی و انگلیسی (هفت خواهران) جهان را میان خود تقسیم نمودند و منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، به طور عمده تحت نفوذ و کنترل شرکت های انگلیسی درآمد.

در آستانه جنگ جهانی دوم، در حوزه خلیج فارس، انگلیسی ها نزدیک به ۸۰٪ و آمریکایی ها نزدیک به ۱۴٪ از استخراج و صدور نفت خلیج فارس را برعهده داشتند اما به دنبال نفوذ آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس این سهم در سال ۱۹۵۵ به ۶۰٪ افزایش یافت. دلایل نفوذ بیشتر آمریکا نسبت به انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی را می توان به صورت زیر دسته بندی نمود:

الف - بروز جنگ جهانی دوم

ب - ضعف اقتصادی اروپا

پ - خطر نفوذ کمونیسم و ناسیونالیسم ولی این تحرکات و یکه تازیها با ملی شدن صنایع نفت کشورهای مختلف به کندی

همان طور که گفته شد در سال ۱۹۲۸ «هنری دتردینگ» بنیانگذار شرکت شل، «والتر نیکل» سرپرست استاندارد اوپل نیوجرسی «اگزان» و «جان کمرن» مسئول شرکت نفت ایران و انگلیس (BP) طی دو هفته اقامت در محلی به نام «کناکاری» در اسکاتلند در زمینه همکاری با یکدیگر به توافق رسیدند و توافقنامه ای را به امضا رساندند که موارد مهم آن به شرح زیر بود.

الف - تعیین حوزه نفوذ و فعالیت هر یک از کمپانی ها (خط قرمز)

ب - تعیین نحوه استفاده از امکانات یکدیگر
پ - تعیین نحوه مبادله و تجارت فی مابین
ت - تعیین نحوه قیمت گذاری محصولات نفتی

ث - تعیین سهم فعالیتهای تجاری هر یک در بازار موجود و نحوه تقسیم بازار
ج - تعیین نفت خلیج مکزیک به عنوان نفت شاخص

۳- تشکیل کارتل جهانی نفت (۱۹۳۰)

در این قسمت ذکر این نکته خالی از لطف نیست که تمام شرکت های بزرگ نفتی شدیداً از خطرات ناشی از عملیات نفتی پرهیز می کردند. به طور مثال استاندارد اوپل تمایلی نداشت که تمامی مراحل تولید، پالایش و توزیع را رأساً به عهده بگیرد بلکه ترجیح می داد انحصار پالایش، انتقال و بازاریابی را توسعه دهد و عملیات پرمخاطره همچون اکتشاف و استخراج را به دیگران واگذار کند که این امر پس از ادغام با دیگر شرکتها و مشارکت جمعی در تمامی سطوح عملیاتی صورت پذیرفت. کشف حوزه های عظیم نفت خام همیشه حالتی تصادفی داشته و بعضاً در اثر پیدایش منابع عظیم، صنعت نفت دچار نوسانهای شدید و عدم تعادل می شد.

یکی از اتفاقات در این زمان کشف منطقه نفتی «اسپیندل تاپ» بود که موجب شکست کامل انحصار «استاندارد اوپل» شد. حادثه دیگر در دهه ۱۹۳۰ اتفاق افتاد و آن

۴- روند ملی شدن صنعت نفت ایران (۱۹۵۱)

از سال ۱۹۶۲ میلادی به بعد، مذاکرات فراوانی بین دولت ایران و دولت انگلیس انجام گرفت که به دلیل عدم هماهنگی در داخل و مخالفت دولت انگلیس، به نتیجه نرسید.

در سال ۱۹۳۲ رضاخان، قرارداد داری را یک طرفه لغو نمود. لغو قرارداد داری به صورت یک جانبه از طرف دولت ایران موجب تصویب قرارداد ۱۹۳۳ شد و رضاخان بدون نظرخواهی از مجلس و کابینه قرارداد جدید را امضا نمود.

در سال ۱۹۴۱ میلادی حرکت‌های اعتراض آمیزی از طرف کارکنان صنعت نفت شکل گرفت و در نهایت منجر به اعتصاب شد.

در ۱۹۵۰ به پیشنهاد حسنعلی منصور نخست وزیر وقت کمیسیون نفت در مجلس تشکیل شد. این کمیسیون ۱۸ نفری به ریاست دکتر مصدق به بررسی دلایل عدم تصویب قرارداد الحاقی (گس-گلشائیان) پرداخت. بر طبق این قرارداد سود ثابت نفت ایران از ۴ شیلینگ در هر تن به ۶ شیلینگ در هر تن افزایش یافت.

پس از بررسی قرارداد، کمیسیون نفت اعلام داشت که قرارداد الحاقی برای احقاق حقوق ملت ایران کافی و مناسب نمی باشد. در مارس ۱۹۵۰ لایحه ملی شدن نفت ایران به امضا رسید و در سال ۱۹۵۱ دکتر مصدق نخست وزیر شد. در این تاریخ نفت ایران رسماً ملی اعلام شد و لایحه ملی شدن نفت ایران به اجرا گذاشته شد.

عوامل درازمدت که منجر به ملی شدن نفت گردید شامل اعتقاد وسیع و عمیق مردم به این امر بود که درآمد بسیار کمی از صنعت نفت دریافت می کنند و بدون کنترل آن هرگز قادر به حکومت بر سرنوشته خود نمی شدند. زیرا به خوبی می دانستند و همچنین از دیرباز این گله و شکایت وجود داشت ایران از نظر تاریخی توپ فوتبال سیاسی بین انگلیس و روسیه بوده است.

ظاهراً بحران سال ۱۹۵۱ مربوط به تمایل دولت جهت کسب درآمدهای نفتی بیشتر برای تأمین مالی برنامه های هفت ساله ای بود که از سال ۱۹۴۹ آغاز شده بود.

این مسئله مشکلات فراوانی را برای

انگلیس به وجود آورد و اقداماتی جهت به زانو درآوردن ایران را دنبال کرد.

تحریم خرید نفت ایران در قطع کامل درآمد ایران بی نهایت مؤثر بود ولی به دلیل سهم کوچک نفت (حدود ۱۲٪) از مجموع درآمدهای دولت، مستقیماً و در کوتاه مدت نمی توانست کارساز باشد.

تحریم در بلندمدت به تضعیف دولت کمک کرد. در ۲۱ اوت

۱۹۵۲ نخست وزیر با نیاز شدید به پول، فرمان تشکیل کمیسیونی برای جمع آوری مالیاتهای معوقه و پرداخت نشده در ده سال را صادر کرد ولی به هر حال هیچ یک از این اقدامات کارساز نشد و با همکاری آمریکا بالاخره دولت مصدق در ۱۹۵۳ سقوط کرد و انحصار نفت ایران در اختیار کنسرسیوم قرار گرفت. و این وضعیت تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ ادامه داشت.

هر چند که کنسرسیوم دیگر در ایران جایگاهی ندارد ولی هنوز بر صنایع انرژی جهان مسلطند. آیا توانسته ایم خود را طوری از لحاظ اقتصادی تجهیز کنیم که از ترکش سیاست های آنها به دور باشیم؟

۵- سازمان کشورهای صادرکننده نفت OPEC - (۱۹۶۰)

باید به این نکته اشاره شود که عقب ماندگی نظامهای اجتماعی و فنودالی کشورهای صادرکننده نفت غالباً به وسیله شرکت های بین المللی نفت و حکومت های متبوعشان زیرکانه تقویت شده است و همین امر باعث شده که درآمدهای بادآورده نفتی معمولاً در خدمت نوسازی و به کار انداختن و حرکت کشورها از مراحل ابتدایی ساختار سیاسی اجتماعی به مراحل کاملتر قرار نگیرد. شرکت های نفتی ترجیح می دهند که درآمدهای نفتی دولت به جای مصرف برای توسعه و گسترش داخلی کشور برای واردات ماشین های آخرین مدل و تجهیزات برای کاخها و وسایل نظامی صرف گردد. به علاوه خطر بزرگتر آن است که توسعه اقتصادی باعث بالا رفتن سطح آگاهی سیاسی و دانش مردم می شود.

با توجه به گذشته شاید بتوان سال ۱۹۵۳ را اوج قدرت غرب در کنترل کشورهای صادرکننده نفت محسوب کرد. در این سال مهمترین اعمال نفوذ غرب کودتای ۲۸ مرداد ماه ایران بود.

یک سلسله از وقایع به روشنی از عوامل

مؤثر موفقیت جمال عبدالناصر در ملی کردن کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ و همچنین شکست حمله فرانسه، انگلیس و اسرائیل برای سرنگونی ناصر بود. این حادثه نه تنها شکافی در اتحاد غرب به وجود آورد بلکه شوروی را در منطقه در موقعیت مهمی قرار داد.

نقطه تحول دیگر سرنگونی ملک فیصل در سال ۱۹۵۸ در عراق بود که عملاً منجر به شکست و از هم پاشیدگی اتحاد سنتو دالس که مکانیسم سلطه غرب در منطقه به حساب می آمد گردید.

به دنبال آن انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹، آمریکا را دچار دردسر جدیدی کرد و بالاخره در سال ۱۹۶۰ اوپک تشکیل شد.

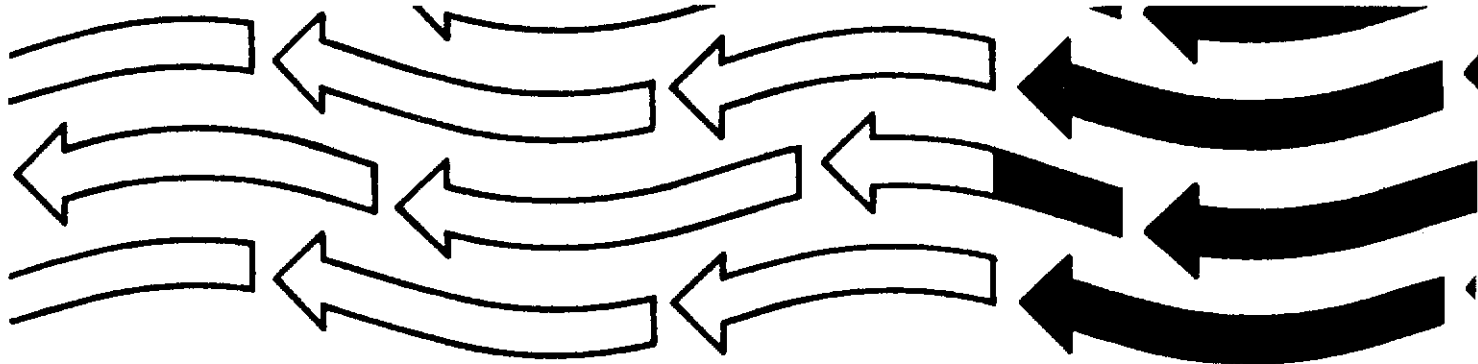
پس از توافق اکتاکاری در سال ۱۹۲۸ که منجر به تشکیل یک کارتل بزرگ نفتی شد حرکت های بسیاری از طرف تولیدکنندگان نفت بر علیه عملکردهای ناعادلانه این کارتل شکل گرفت از جمله در دهه ۱۹۵۰ مذاکرات بین «عبدالله الطریقی» وزیر نفت عربستان و «پرز آلفونسو» وزیر نفت ونزوئلا برای تشکیل اتحادیه تولیدکنندگان مطرح شد و بدین ترتیب شورای اقتصادی اتحادیه عرب که نخستین کنگره نفتی عرب بود در قاهره تشکیل شد و برای شرکت در آن از دو هیأت غیرعرب از کشورهای ونزوئلا و ایران نیز دعوت به عمل آمد.

بالاخره چنین تحركاتی باعث شد که سازمان اوپک با ۵ عضو اولیه یعنی ایران، عراق، عربستان، کویت و ونزوئلا در سال ۱۹۶۰ تشکیل شود این سازمان در بدو تشکیل به سه مسأله توجه اساسی داشت.

الف- کسب بیشتر سهم از اختلاف قیمت بین نفت پالایش شده و هزینه نهایی اولیه در بدو استخراج که این سهم بیشتر نصیب شرکت های چندملیتی نفتی می شد.

ب- رقابتی شدن بازار نفت در سال ۱۹۵۰، قیمت هر بشکه نفت در بازار ۱/۸۰ دلار به ازای هر بشکه بود که ۰/۶ دلار آن نصیب کشورهای صاحب نفت می شد و مابقی شامل هزینه استخراج و سود بود. توجه به این مسأله توسط اوپک باعث شد سهم شرکت های چندملیتی ۷ خواهان از ۳/۹۸٪ در سال ۱۹۵۰ به ۱/۷۶٪ در سال ۱۹۶۹ کاهش یابد.

پ- کشف ذخایر جدید در طول دهه ۱۹۵۰ و افزایش شدید ذخایر نسبت به تقاضای آن در این دوره.



در سالهای ۱۹۶۰ اوپک برای جلوگیری از کاهش قیمت نفت و افزایش سهم خود از مازاد حاصل از اختلاف بین قیمت نفت در بازار و هزینه استخراج آن به سه اقدام مهم دست زد که عبارت بودند از:

الف- تغییر نظام مالیات‌گیری از شرکت‌های نفتی

ب- کنترل تولید نفت

پ- ملی کردن صنعت نفت

اهداف اولیه تأسیس اوپک نیز عبارت بود از:

الف- بازگرداندن قیمت‌های اعلام‌شده نفت به سطح قبل از کاهش سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰

ب- لزوم مذاکره شرکت‌های نفتی با اعضای اوپک قبل از هرگونه اعمال تغییر در بهای نفت

پ- جلوگیری از ایجاد نوسانات غیرضروری قیمت نفت توسط شرکت‌های نفتی

ت- اتحاد و یکپارچگی اعضا در هنگام اعمال فشار شرکت‌های نفتی

ث- تنظیم میزان تولید برطبق تصمیمات اوپک به نحوی که درآمد ثابتی برای تمام کشورهای عضو فراهم شود.

باید اعتراف کنیم که اوپک در حیات خود تا دهه ۱۹۷۰ حتی در انجام هدفهای محدود خود موفقیت جزئی داشت.

قبل از هر چیز، اوپک همیشه در جستجوی توجیه وجود خود از طریق صلاحیت و تخصص خود بوده است.

ناتوانی اساسی اوپک در ایجاد تغییرات بنیادی در موقعیت دولتهای صادرکننده نفت را در دهه ۱۹۶۰ می‌توان در عوامل زیر خلاصه کرد:

اولاً شرکت‌های نفتی مجبور بودند جهت سهامداران خود سود به دست آورند، وقتی که کنترل قیمت‌ها و تولید به خطر می‌افتاد حاضر نبودند بخشی از منافع حیاتی خود را واگذار نمایند. شرکت‌ها فقط زمانی تسلیم می‌شدند که اگر آن شرایط را نمی‌پذیرفتند

مجبور به پذیرش موقعیت بدتری می‌گشتند و مواجه با خطر واقعی بودند. ثانیاً تأکید زیاد اوپک بر انجام مذاکره و به حساب آوردن افکار عمومی جهانی از طرف شرکت‌ها به عنوان علامتی از ضعف تلقی می‌شد.

در نتیجه این عوامل به نظر می‌آمد که اوپک بیش از پیش به صورت سازمانی درآمد که قبل از سودمند بودن برای کشورهای صادرکننده نفت، در درازمدت برای شرکت‌های نفتی ارزشمند گردد.

اوپک در دهه ۱۹۷۰ با تغییراتی که در توازن قدرتهای جهانی و استراتژی شرکت‌های نفتی بین‌المللی به وجود آمد به طور عمده به یک عامل مهم در زمینه نفت تبدیل شد، به دنبال افزایش زیاد قیمت نفت در سال ۱۹۷۴ تلاشهای بسیاری برای توجیه رفتار اوپک آغاز شد. بیشتر الگوهای ارائه‌شده، به خاطر اوضاع و احوال دهه ۱۹۷۰، بر رفتار کارтели اوپک تأکید بسیار داشت. به گفته گریفین «درست مثل بحران بزرگ که به دهه ۱۹۳۰ ویژگی بخشید، بحران انرژی نیز به دهه ۱۹۷۰ ویژگی داده علی‌رغم اشتیاقی که برای نشان دادن نقش کارтели اوپک در دهه ۱۹۷۰ وجود داشت، به دنبال تحولات بازار نفت، به تدریج این تفکر ضعیف شد و بدون پشتوانه ماند.

۶- بحران اول انرژی (۱۹۷۳)

کاهش قیمت نفت از یک سو و درگیری‌های اعراب و اسرائیل از سوی دیگر باعث شد زمینه‌ای مساعد برای وقوع یکی از بحرانهای بزرگ قرن به وقوع بپیوندد. بروز این بحران توانست طرحهای شرکت‌های بزرگ نفتی و تعدادی از آنها را که در مناطقی مانند آلاسکا و دریای شمال به اکتشاف پرداخته بودند از لحاظ اقتصادی توجیه کند.

به طور مثال در آلاسکا نفت در Prudhoe Bay در سال ۱۹۶۸ کشف شد ولی بهره‌برداری در سال ۱۹۷۷ صورت گرفت و یا نفت دریای شمال در سال ۱۹۶۹ کشف

شد و بهره‌برداری در سال ۱۹۷۵ صورت گرفت.

به هر حال این بحران با تهدیدهای ابتدایی در سال ۱۹۷۱ آغاز شد و دلیل آن تحریم غرب توسط کشورهای عربی به دلیل جانبداری از اسرائیل در جنگ شش روزه بود.

تهدیدهای اولیه در سال ۱۹۷۱ اثرات چندانی در افزایش قیمت نفت نگذاشت ولی با عملی شدن این تحریم در اکتبر ۱۹۷۳، بازار با بحران اول نفتی روبه‌رو شد و دچار کمبود عرضه نفت گردید. دلایل اصلی این بحران عبارت بود از:

(۱) نظریه کارتلی اوپک

(۲) نظریه کاهش تولید اعضای اوپک (مؤثر بودن تحریم)

(۳) نظریه اجرای سیاست افزایش قیمت توسط آمریکا

طی این بحران قیمت نفت از ۱/۸۰ دلار به ازای هر بشکه در سال ۱۹۷۰ به ۱۱/۶۵ دلار به ازای هر بشکه در اول ژانویه ۱۹۷۴ رسید. این بحران علی‌رغم مشکلاتی که برای کشورهای غربی داشت ولی نکات فراوانی را به همراه داشت پس از این بحران این کشورها با تفکر نو درباره اقتصاد انرژی توانستند گامهای بعدی پیشرفت را با استحکام بیشتر بردارند و یکی از این گامها تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی است.

۷- تشکیل آژانس بین‌المللی انرژی I.E.A. (۱۹۷۴)

به وجود آمدن I.E.A. در سال ۱۹۷۴ یکی از نتایج شوک اول بود که به ابتکار و تلاش آمریکا صورت گرفت.

اهداف اولیه I.E.A. مقابله با اوپک و مبارزه با اثرات و عوارض افزایش قیمت نفت ناشی از شوک اول بود.

دبیرخانه آژانس در فرانسه و در شهر پاریس واقع شده است. اهداف مهم اولیه آژانس عبارتند از:

الف- همکاری میان اعضا به منظور کاهش وابستگی زیاد به نفت از طریق صرفه‌جویی، توسعه منابع انرژی‌های جایگزین نفت و تحقیقات در زمینه توسعه منابع انرژی جدید.

ب- ایجاد یک سیستم اطلاع‌رسانی در خصوص بازار بین‌المللی نفت به علاوه مشارکت با شرکت‌های نفتی

پ- همکاری با تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نفت و به کارگیری مدیریت معقول برای استفاده از منابع

ت- تهیه و تدوین برنامه انرژی برای کشورهای عضو در جهت مقابله با خطر قطع عرضه نفت

ث- ایجاد شرایط مناسب در جهت توسعه سرمایه‌گذاریهای نفتی و انرژی.

کشورهای عضو این آژانس عبارتند از استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، آلمان، یونان، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، لوگزامبورگ، هلند، زلاند نو، نروژ، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، انگلستان و آمریکا.

۸- بحران دوم انرژی (۱۹۷۸)

به دنبال تحولات سیاسی ایران در دسامبر ۱۹۷۸ تولید ایران از بیش از ۵/۵ میلیون بشکه در روز به ۳/۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافت و در اواخر دسامبر ۷۸ و با نزدیک شدن به پیروزی انقلاب صادرات نفت ایران قطع شد. با آن که خلأ صادرات نفت ایران، تا حدود زیاد به وسیله عربستان، عراق و کشورهای غیراوپیک مثل انگلستان، نروژ و مکزیک جبران شد، با وجود این در ژانویه ۱۹۷۹ حدود دو میلیون بشکه در روز، کمبود نفت در بازار وجود داشت. نگرانی از کاهش بیشتر عرضه در آینده، موجب تقاضای بیشتر گردید و قیمت‌های تک‌محموله به شدت افزایش یافت. پس از بحران دوم، قیمت نفت از ۱۲/۷ دلار به ازای هر بشکه در ژوئیه ۱۹۷۸ به حدود ۴۰ دلار در فوریه ۱۹۸۰ رسید.

۹- بحران سوم انرژی (۱۹۸۵)

بازار جهانی که بحران اول را پشت سر گذاشته بود و تمهیداتی برای صرفه‌جویی انرژی، کاهش مصرف، جایگزینی نفت و ذخیره‌سازی آن نموده بود از سال ۱۹۸۱ بر آن شد که قیمت افزایش یافته نفت را مهار کند و با عرضه نفت از مناطقی که تا

قبل از افزایش قیمت‌ها اقتصادی نبود، کاهش عرضه نفت ایران و عراق را جبران کند.

ادامه این سیاست توسط کشورهای مصرف‌کننده و تولیدکننده غیراوپیک از یک سو همراه با ایجاد بازار نفت کاغذی و عدم اتخاذ سیاست‌های هماهنگ در اوپیک از سوی دیگر باعث گردید که بازار جهانی از اواخر سال ۱۹۸۵ و سپس در سال ۱۹۸۶ با سومین بحران نفتی روبه‌رو گردد که به سقوط قیمت‌ها در برخی روزها به کمتر از ۵ دلار در هر بشکه منجر شد. این بحران برخلاف دو بحران قبلی به نفع خریداران تمام شد.

برخی منابع از تحولات «پیش‌آمده در بازار نفت در سال ۱۹۹۰ پس از اشغال کویت توسط عراق به نام بحران کوچک سوم Third mini energy crisis نام برده‌اند.

۱۰- آخرین دهه قرن بیستم

در طی نه سال گذشته یعنی از سال ۱۹۹۹-۱۹۹۰ بازار نفت تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته است.

در این مدت تقاضای جهانی نفت سالانه بیش از یک میلیون بشکه در روز رشد داشته و کشورهای غیراوپیک در حدود ۳۵٪ این تقاضا را تأمین کرده‌اند و این امر باعث شده سهم اوپیک در عرضه جهانی نفت از ۳۷٪ در سال ۱۹۹۰ به ۴۱٪ در سال ۱۹۹۸ افزایش یابد.

نیمه دوم سال ۱۹۹۰ مصادف بود با حمله عراق به کویت و اشغال این کشور، به دنبال این اقدام طبق قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل صدور نفت عراق متوقف شد و در اوایل سال ۱۹۹۱ نیز نیروهای عراقی چاه‌های نفت کویت را آتش زدند. قطع صدور نفت عراق و کویت می‌توانست فشار زیادی به قیمت نفت، جهت بالا بردن آن وارد کند اما به خاطر وجود ذخایر استراتژیک کشورهای غربی و نیز بالا بردن ظرفیت تولیدی عربستان و افزایش سریع میزان تولید این کشور، به جز مدتی خیلی کوتاه که قیمت‌های نفت بالا رفتند، تحول عمده‌ای در بازار نفت نسبت به قبل از جنگ پدید نیامد به طوری که عربستان با اضافه تولید خود توانست تولید سال ۱۹۹۱ را نیز در حد ۲۳ میلیون بشکه در روز نگه دارد. با آغاز بحران شرق آسیا و کاهش ارزش پول ملی تایلند در نوامبر ۱۹۹۷ اوپیک در جا کارتا در مورد تغییر سهمیه‌ها

تصمیم گرفت و به جای تعدیل سقف تولید، تولید را افزایش داد و این شروعی برای یک بحران بود. در آن زمان این سؤال به ذهن می‌آمد که آیا آمریکا در این بحران دست نداشته است؟

این بحران چنان شدید بود که متوسط جهانی قیمت نفت را با سیر نزولی مواجه ساخت به طوری که قیمت متوسط جهانی نفت از ۲۳/۴۶ دلار به ازای هر بشکه در اول ژانویه ۱۹۹۷ به ۹/۹۳ دلار به ازای هر بشکه در ژانویه ۱۹۹۹ رسید و این افت شدید قیمت مشکلات زیادی را برای کشورهای تولیدکننده ایجاد کرد.

بالاخره در صد و هفتمین اجلاس اوپیک در سال ۱۹۹۹ با کاهش مجدد تولید تا حدودی وضعیت نفت بهبود حاصل نمود به طوری که در ۲۴ دسامبر سال ۱۹۹۹ متوسط جهانی قیمت نفت به ۲۴/۹۰ دلار به ازای هر بشکه رسید.

منابع مورد استفاده:

- ۱- سید غلامحسین حسن‌تاش، جزوه درس: مسائل سیاسی و اقتصادی انرژی، دانشکده روابط بین‌المللی (وزارت امور خارجه)
- ۲- مایکل تانزر (مترجم: محمود ریاضی) بحران انرژی، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۲
- ۳- مانع سعیدالعتیبه (مترجم: دکتر اسماعیل آیتی) اوپیک و اقتصاد نفت، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۶۹
- ۴- دکتر عبدالناصر همتی، اقتصاد و نفت، انتشارات سروش، ۱۳۶۸
- ۵- شماره‌های ۳ و ۷ و ۱۰ و ۱۳ تحولات نفت مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی
- ۶- افشین جوان، «اوپیک و چهار دهه تجربه و تکرار تجربه، ماهنامه تازه‌های اقتصاد، ۱۳۷۸، شماره ۷۹
- ۷- دکتر حجتا... غنیمی‌فرد، نفت ایران و جایگاه بین‌المللی آن، جزوه درسی ۱۳۷۶/۳/۳۰

8- Global Markets 19 April 1999.

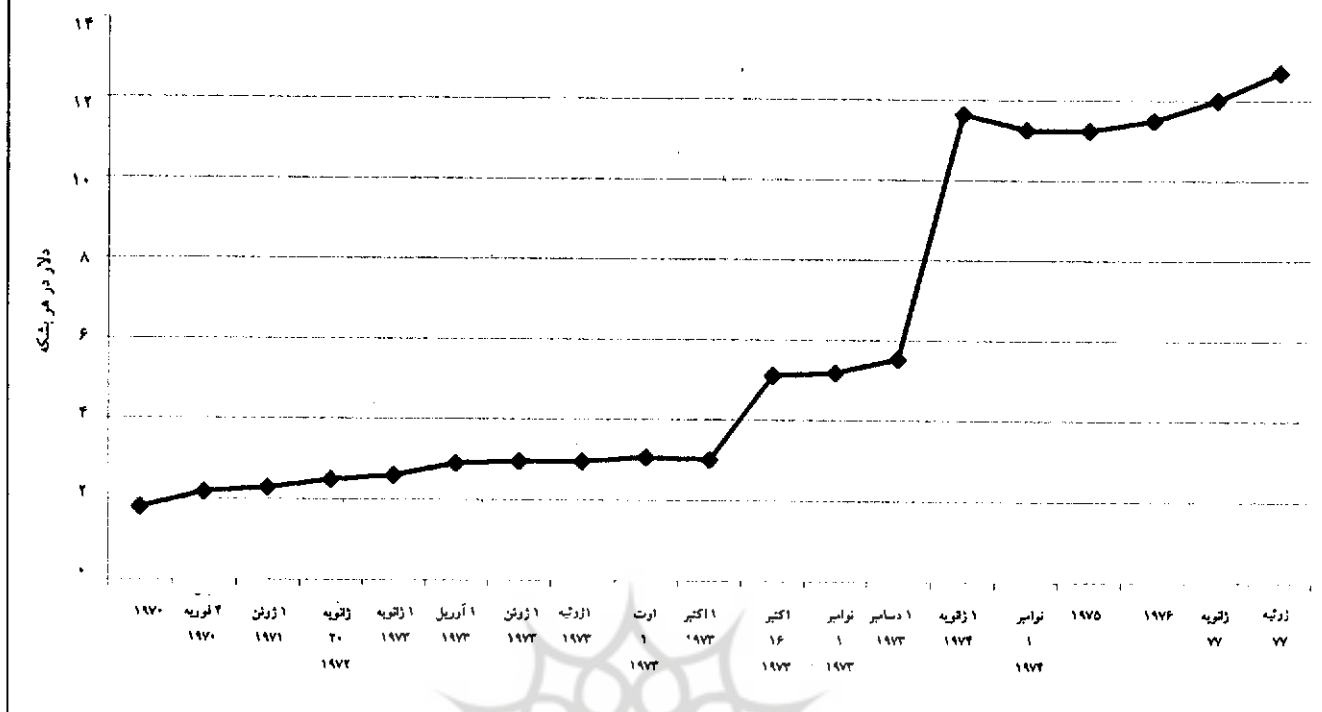
9- EIA, Annual Report 1999

10- Platt's oilgram price Report

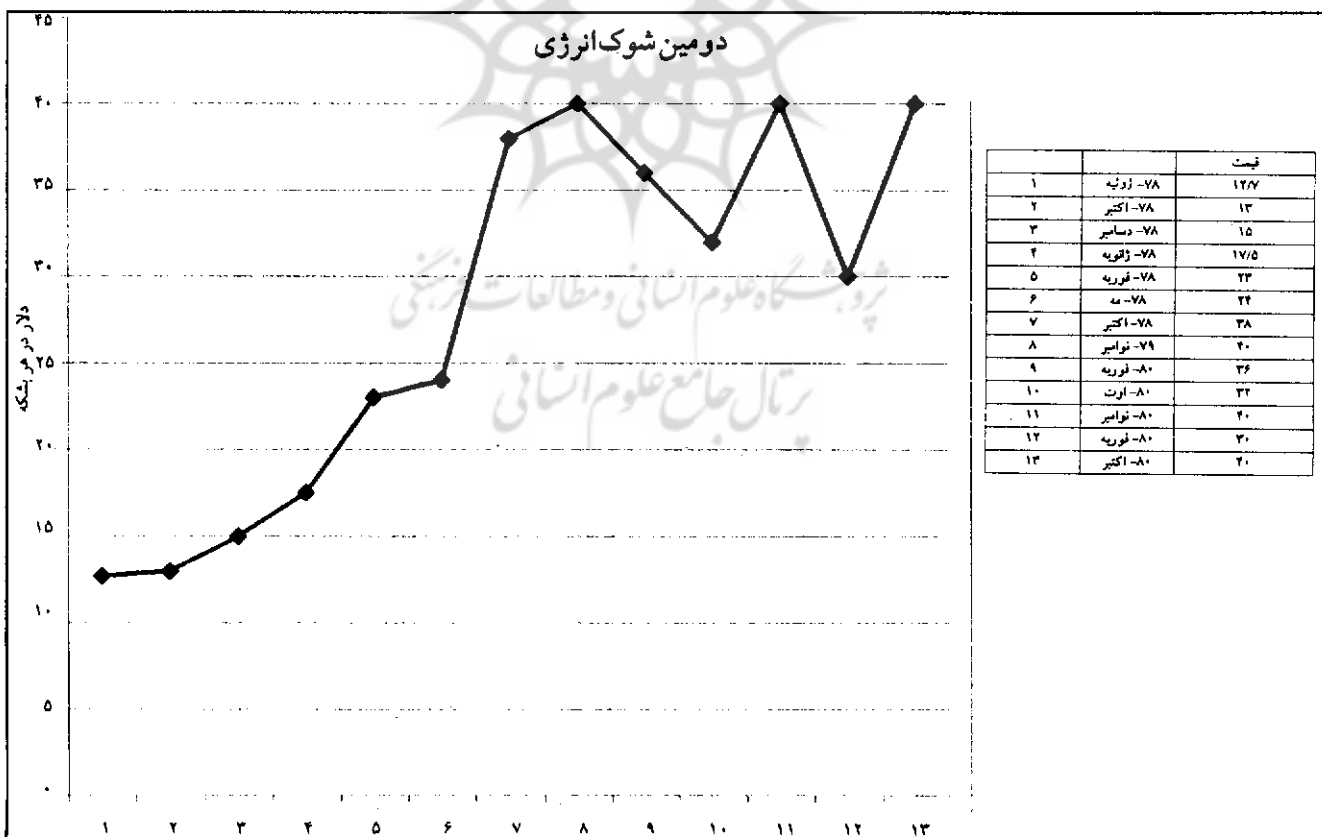
11- J.M. Griffin H.B. steele

Energy Economics and policy (Second Edition) Published by Academic Press Inc. (U.S.A.) 1988.

اولین شوک انرژی

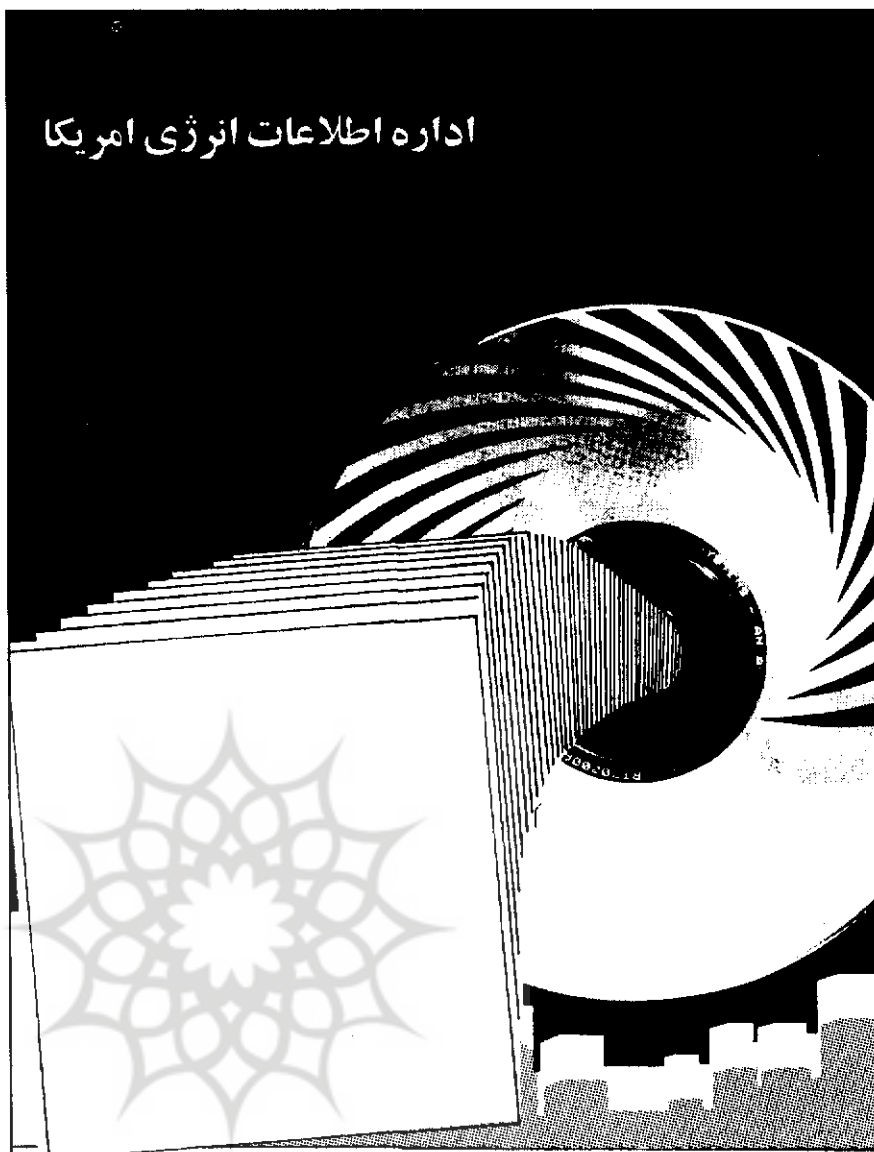


دومین شوک انرژی



شماره	تاریخ	قیمت
۱	ژوئیه -۷۸	۱۲/۷
۲	اکتبر -۷۸	۱۳
۳	دسامبر -۷۸	۱۵
۴	ژانویه -۷۹	۱۷/۵
۵	فوریه -۷۹	۲۳
۶	مه -۷۹	۲۲
۷	اکتبر -۷۹	۳۸
۸	نوامبر -۷۹	۲۰
۹	فوریه -۸۰	۳۶
۱۰	اوت -۸۰	۳۲
۱۱	نوامبر -۸۰	۴۰
۱۲	فوریه -۸۰	۳۰
۱۳	اکتبر -۸۰	۲۰

اداره اطلاعات انرژی آمریکا



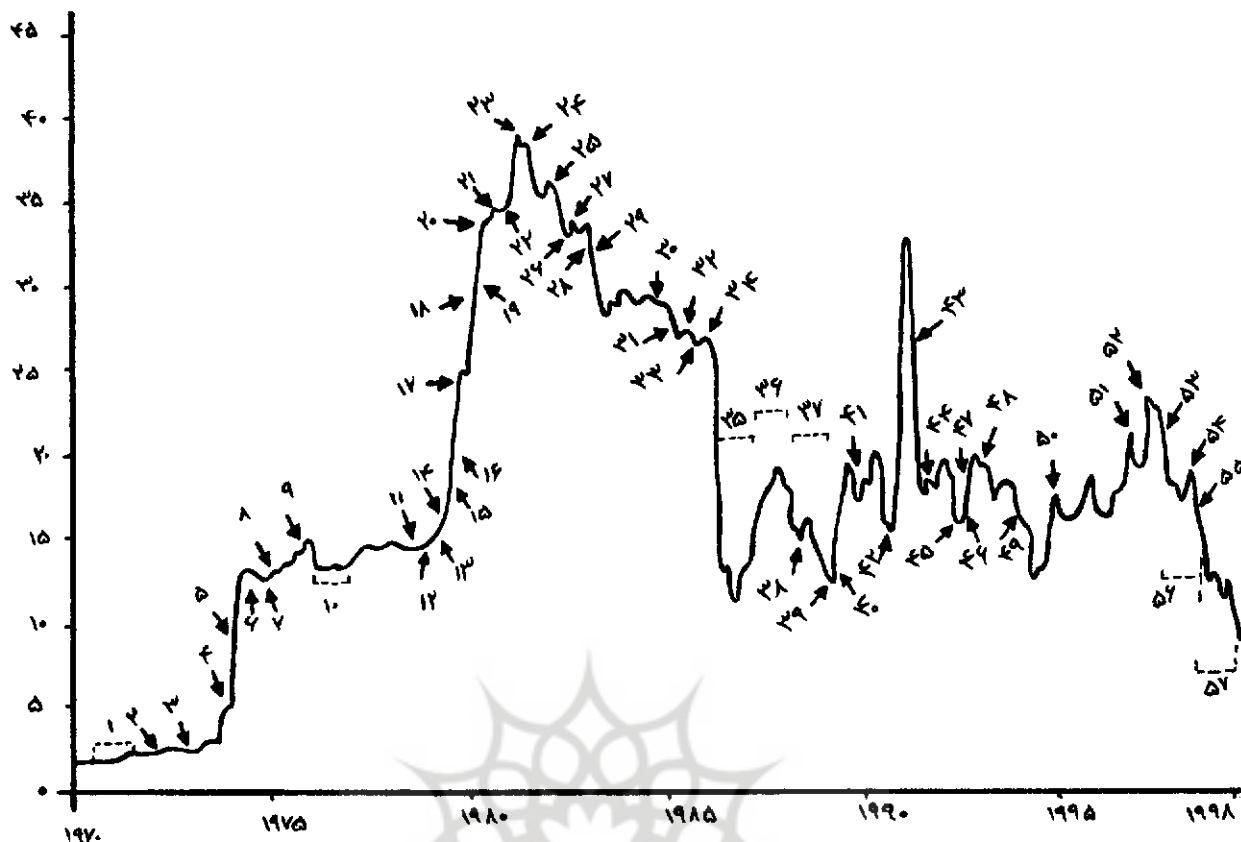
بازار جهانی نفت و قیمت نفت

گاه‌نمای قیمت‌ها: ۹۸-۱۹۷۰ میلادی

- ۱۱- تولید نفت ایران به پایین‌ترین سطح در ۲۷ سال گذشته می‌رسد.
- ۱۲- اوپک تصمیم می‌گیرد برای سال ۱۹۷۹ قیمت‌ها را به میزان ۱۴/۵ درصد افزایش دهد.
- ۱۳- انقلاب ایران: شاه سرنگون می‌شود.
- ۱۴- اوپک قیمت‌ها را از اول آوریل ۱۹۷۹ به میزان ۱۴/۵ درصد افزایش می‌دهد.
- ۱۵- برنامه مرحله‌بندی حذف کنترل قیمت در آمریکا آغاز می‌شود.
- ۱۶- اوپک قیمت‌ها را ۱۵ درصد بالا می‌برد.
- ۱۷- گروگانگیری در ایران؛ کارتر رییس‌جمهور آمریکا واردات نفت از ایران را متوقف می‌کند؛ ایران قراردادهای آمریکا را فسخ می‌کند: تولید غیر اوپک به ۱۷ میلیون بشکه در روز می‌رسد.
- ۱۸- سعودیها قیمت شاخص نفت را از ۱۹ دلار به ۲۶ دلار در بشکه می‌رسانند.
- ۱۹- مالیات بر منافع بادآورده به اجرا درمی‌آید (Winfall Profits Tax).
- ۲۰- کویت و ایران و لیبی تولید خود را کاهش می‌دهند، تولید اوپک به ۲۷ میلیون بشکه در روز تنزل می‌یابد.
- ۲۱- قیمت نفت سبک عربستان به ۲۸ دلار در بشکه می‌رسد.
- ۲۲- قیمت نفت سبک عربستان به ۳۴ دلار در بشکه می‌رسد.
- ۲۳- اولین نبرد عمده در جنگ ایران و عراق.
- ۲۴- ریگان رییس‌جمهور آمریکا کنترل‌های باقیمانده بر قسمت و تخصیص‌ها را لغو می‌کند.
- ۲۵- قیمت‌های تک‌محموله بر قیمت‌های رسمی اوپک تفوق می‌یابند.
- ۲۶- آمریکا نفت خام لیبی را تحریم می‌کند. اوپک تولید ۱۸ میلیون بشکه در روز را برنامه‌ریزی می‌کند.
- ۲۷- سوریه خط لوله نفت عراق را می‌بندد.
- ۲۸- لیبی تخفیف در قیمت‌ها را آغاز می‌کند، تولید غیر اوپک به بیست میلیون بشکه در روز می‌رسد: تولید اوپک تا سطح پانزده میلیون بشکه در روز کاهش می‌یابد.
- ۲۹- اوپک قیمت‌ها را ۵ دلار کاهش می‌دهد و با تولید ۱۷/۵ میلیون بشکه در روز موافقت می‌کند.

- ۱- آغاز قدرت‌نمایی اوپک، اوپک میزان مالیات و قیمت‌های اعلام‌شده را افزایش می‌دهد.
- ۲- اوپک روند ملی کردن را آغاز می‌کند، قیمت‌ها را در پاسخ به دلار رو به زوال افزایش می‌دهد.
- ۳- مذاکرات برای انتقال تدریجی مالکیت اموال و دارایی‌های غربی در کشورهای عضو اوپک.
- ۴- آغاز تحریم نفتی (۲۰-۱۹ اکتبر ۱۹۷۳).
- ۵- اوپک قیمت‌های اعلام‌شده را تثبیت می‌کند. آمریکا برنامه کنترل واردات را به اجرا درمی‌آورد.
- ۶- تحریم نفتی پایان می‌گیرد (۱۸ مارس ۱۹۷۴).
- ۷- سعودیها میزان مالیات‌ها و بهره مالکانه را افزایش می‌دهند.
- ۸- برنامه تخصیص نفت خام در آمریکا آغاز می‌شود (entitlement program).
- ۹- اوپک ۱۵ درصد افزایش درآمد از اول اکتبر ۱۹۷۵ را اعلام می‌کند.
- ۱۰- قیمت رسمی نفت سبک عربستان برای سال ۱۹۷۶ ثابت نگه داشته می‌شود.

گانه‌مای قیمت جهانی نفت: ۱۹۷۰-۱۹۹۸



تذکره: قیمت‌های ارائه شده به روز هستند و تعدیل قیمت ناشی از تورم در نظر گرفته نشده است.

- | | |
|--|---|
| <p>عراق به مناطق امن کردنشین در شمال عراق امریکا با موشک‌های کروز به جنوب عراق حمله می‌برد.</p> <p>۵۳- عراق صدور نفت بر پایه قطع نامه ۹۸۶ شورای امنیت را آغاز می‌کند.</p> <p>۵۴- مخالفت عراق با بازدید بازرسی کنترل تسلیحات سازمان ملل از مناطق «حساس» تنش در منطقه نفت خیز خاورمیانه را افزایش می‌دهد، قیمت‌های نفت بالا می‌رود.</p> <p>۵۵- اوپک سقف تولید خود را با ۲/۵ میلیون بشکه افزایش به ۲۷/۵ میلیون بشکه در روز می‌رساند. این اولین افزایش تولید اوپک ظرف چهار سال است.</p> <p>۵۶- عرضه جهانی نفت در سال ۱۹۹۷ به میزان ۲/۲۵ میلیون بشکه در روز افزایش می‌یابد که بیشترین افزایش سالانه از ۱۹۸۸ به بعد محسوب می‌شود.</p> <p>۵۷- افزایش تولید نفت عراق همزمان با توقف تقاضای نفت در آسیا به دلیل بحران اقتصادی آسیا و افزایش سطح ذخایر نفت در دنیا به دنبال هوای معتدل زمستانی در دو سال پیاپی سبب سقوط قیمت‌های نفت می‌شود.</p> | <p>۳۰- نروژ، انگلیس و نیجریه قیمت‌ها را کاهش می‌دهند.</p> <p>۳۱- توافق اوپک قیمت نفت سبک عربستان را تا ۲۸ دلار در بشکه پایین می‌آورد.</p> <p>۳۲- تولید اوپک به سطح ۱۳/۷ میلیون بشکه در روز کاهش می‌یابد.</p> <p>۳۳- سعودیها قیمت نفت خود را با قیمت تک‌محمولی مرتبط می‌کنند و تولید را افزایش می‌دهند.</p> <p>۳۴- تولید اوپک به ۱۸ میلیون بشکه در روز می‌رسد.</p> <p>۳۵- استفاده وسیع از قیمت‌گذاری نفت خام بر مبنای قیمت فرآورده‌ها (netback pricing).</p> <p>۳۶- استفاده گسترده از قیمت‌های ثابت.</p> <p>۳۷- استفاده وسیع از قیمت‌گذاری براساس فرمول (formula pricing).</p> <p>۳۸- شکست گسردهم‌آیی اوپک و غیراوپک.</p> <p>۳۹- توافق تولید اوپک: قطع تولید در حوزه‌های فولمار و برنت در دریای شمال.</p> <p>۴۰- از نفتکش آسیب‌دیده اگزان والدر یازده میلیون گالن نفت خام به دریا سرازیر می‌شود.</p> |
|--|---|

۴۱- اوپک سقف تولید خود را تا حد ۱۹/۵ میلیون بشکه در روز افزایش می‌دهد.

۴۲- حمله عراق به کویت.

۴۳- عملیات نظامی طوفان صحرا آغاز می‌شود: اجازه فروش ۱۷/۳ میلیون بشکه از ذخایر استراتژیک نفت امریکا صادر می‌شود.

۴۴- جنگ خلیج فارس خاتمه می‌یابد.

۴۵- فروپاشی شوروی: آخرین چاه مستقل نفت در کویت در ۶ نوامبر ۱۹۹۱ خاموش می‌شود.

۴۶- عربستان با حمایت از افزایش قیمت اوپک موافقت می‌کند.

۴۸- تولید اوپک به میزان ۲۵/۳ میلیون بشکه در روز به بالاترین سطح طی یک دهه می‌رسد.

۴۹- کویت تولید خود را به میزان ۵۶۰ هزار بشکه بدون توجه به سهمیه‌بندی اوپک افزایش می‌دهد.

۵۰- اعتصاب در صنعت نفت نیجریه

۵۱- سردی فوق‌العاده هوا در امریکا و اروپا.

۵۲- به دنبال یک حمله مورد حمایت